

تبادل اقتصادی در سایه آموزه‌های حقوقی و اخلاقی اسلام

سعید فراهانی فرد

چکیده

برقراری تبادل اقتصادی، همواره از اساسی‌ترین دغدغه‌های اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصاد بوده است.

اقتصاددانان کلاسیک بر این باور بودند که اقتصاد در بلندمدت و بدون دخالت دولت، به خودی خود به سوی تعادل در اشتغال کامل گرایش دارد. این در حالی است که بیش‌تر اقتصاددانان به تبع‌گینز و به دنبال بحران‌های ایجاد شده در اقتصاد، عدم تعادل و ضرورت سیاست‌گذاری برای برقراری تعادل را پذیرفته‌اند.

آموزه‌های شریعت اسلامی و چارچوب ارائه شده از سوی آن برای اقتصاد، از آن حکایت دارد که نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که در صورت شکل‌گرفتن فرهنگ اسلامی و اجرای این آموزه‌ها، بسیاری از اهداف مورد نظر برای این نظام عملی خواهد شد و همانند تفکر کلاسیک، اقتصاد به سمت تعادل در اشتغال کامل حرکت خواهد کرد.

در نظام اقتصادی اسلام، بحث سیاست‌گذاری فقط در دو مورد مطرح می‌شود:

۱. در موارد بروز حوادث طبیعی و تهاجم دشمن خارجی و اعمال فشارهای اقتصادی از

خارج از مرزها

۲. هنگام محقق‌نشدن جامعه اسلامی آرمانی و کوتاهی افراد از عمل به وظایف شرعی و اخلاقی.

در نظام اسلامی برای تربیت و جهت‌دادن رفتارهای اقتصادی مردم در مسیر برقراری تعادل، دو نوع احکام الزامی و احکام تشویقی مقرر شده است.

احکام الزامی به منظور ایجاد حداقل‌های نظام، و احکام تشویقی در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمانی طراحی شده‌اند.^۱

پیش از جان مینارد کینز، اقتصاددانان کلاسیک بر این باور بودند که اقتصاد در بلندمدت و بدون دخالت دولت، به طور خودکار به سوی تعادل در اشتغال کامل گرایش دارد. آنان متأثر از اندیشه فیزیوکرات‌ها مبنی بر نظم طبیعی عالم، معتقد بودند که تعادل اقتصادی در جامعه، بر اثر عرضه و تقاضا در بازار پدید می‌آید و مداخله دولت، جز این که تعادل را بر هم زده، موجب اختلال شود، حاصل دیگری ندارد.

دولت در چنین جامعه‌ای، یک وظیفه بیش ندارد و آن این که با وضع قوانین و مقررات مناسب، عرصه را برای فعالیت آزاد افراد و واحدهای اقتصادی فراهم سازد و موانع را از میان بردارد بدون این که در امر عرضه و تقاضا که به عقیده آدام اسمیت «بر کلیه پدیده‌های اقتصادی حاکم است»، مداخله‌ای داشته باشد.

تحولات عمیقی از جمله، تجربه‌های ناشی از بحران‌های سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۹ میلادی و نیز بیان نظریات جدید اقتصادی به وسیله کینز، نوع دید مسائل اقتصادی را در جهان به کلی دگرگون ساخت و در پی این دگرگونی، دوران لیبرالیسم اقتصادی سپری شد، و سیاست اقتصادی به مرحله جدیدی گام نهاد؛ گرچه پس از دوره رکود سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ میلادی، سیاست‌های طرف عرضه مورد توجه قرار داشت و سیاست مدیریت تقاضا و تأثیر آن در متغیرهای حقیقی اقتصاد مورد تردید گروهی از اقتصاددانان واقع شد که هنوز بحث سیاست‌گذاری (جانب عرضه و تقاضا) یکی از وظایف مهم و اساسی دولت‌ها به‌شمار می‌رود.

آموزه‌های اسلام و چارچوب ارائه شده از جانب این شریعت برای اقتصاد، حکایت می‌کند که نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که در صورت عمل به آن‌ها، همانند تفکر کلاسیک، اقتصاد به‌طور خودکار به سمت تعادل در اشتغال کامل حرکت خواهد کرد و سیاست‌گذاری فقط در دو مورد مطرح می‌شود:

۱. مواردی که به علت بروز حوادث طبیعی چون سیل و زلزله و قحطی، سازوکارهای پیش‌بینی شده در این نظام، برای جلوگیری از آسیب‌های وارد شده کافی نیست یا به سبب تهاجم دشمن خارجی و اعمال فشارهای اقتصادی از خارج مرزها، تحقق همه اهداف، امکان ندارد، ترجیح برخی اهداف بر بعض دیگر، و نیز جبران آسیب‌های رسیده بر برخی از اقشار اجتماع، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است.

۲. هنگامی که جامعه اسلامی آرمانی محقق نشده است و افراد به وظایف شرعی و اخلاقی خود به طور کامل عمل نمی‌کنند، دولت موظف است متناسب با وضعیت موجود و در جهت هدایت و تربیت مردم و ایجاد زمینه‌های لازم برای حرکت به سمت هدف مطلوب، سیاست‌گذاری کند.

بر خلاف کلاسیک‌ها که معتقدند: اقتصاد باید به صورت طبیعی دوران رونق و رکود را سپری کند و هر گونه دخالت دولت را در نظام طبیعی، موجب دورتر شدن از تعادل و طولانی شدن سیکل‌های تجاری می‌دانند، در نظام اقتصادی اسلام - همان طور که اشاره کردیم - دخالت دولت در این دو مورد ضرورت دارد.

نکته قابل توجه دیگر این که در موارد لزوم دخالت دولت، سیاست‌ها بر مبنای مشارکت و همدلی با مردم و در جهت تأمین منافع آنان است؛ در حالی که دولت‌های دیگر می‌کوشند برای خنثا کردن عکس‌العمل مردم، سیاست‌های خود را در خلاف جهت انتظارات آنان ترسیم کنند.

آموزه‌های اسلامی به منظور تحقق آرمان‌های اقتصادی، به دو بخش احکام الزامی و تشویقی تقسیم می‌شوند. احکام الزامی به منظور ایجاد حداقل‌های نظام و احکام تشویقی در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمانی طراحی شده‌اند.

۱. احکام الزامی

مطالعه احکام الزامی، به ویژه در حوزه فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که همه آن‌ها اعم از احکام وجوبی یا تحریمی برای فراهم‌ساختن ظرف تحقق اهداف متعالی این نظام و رساندن جامعه مسلمانان به مطلوب مورد نظر خداوند است. برخی از این قوانین برای حفظ حقوق همه مسلمانان، و بعضی در صدد تأمین حقوق گروه‌های خاص وضع شده است؛ اما به صورت غیرمستقیم، منافع همه را نیز در بر دارد. مهم‌ترین این احکام عبارتند از:

یک. دفاع از حقوق کارگر

بهبود وضعیت تولید، از عوامل اساسی شکوفایی اقتصاد، و از طرفی، نیروی کار، یکی از ارکان اصلی تولید است؛ بدین جهت در دین اسلام، به کارفرمایان و صاحبان کار درباره

حفظ و رعایت حقوق کارگران سفارش فراوانی شده است. برخی از این حقوق عبارتند از:
 ا. پرداخت دستمزد عادلانه

دستمزد نیروی کار به طور معمول، بر اساس عرضه و تقاضای کار تعیین می‌شود؛ بنابراین، در جوامعی که نیروی کار فراوان است، دستمزدها کاهش می‌یابد و ممکن است در حدی قرار گیرد که تأمین‌کننده حداقل نیازهای ضرور آنان نیز نباشد. در نظام اقتصادی اسلام، دستمزدها افزون بر این که باید تأمین‌کننده نیازهای اساسی فرد باشد، متناسب با کیفیت و مقدار آن نیز باید افزایش یابد.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مَنْ ظَلَمَ اجِيرًا أُجْرَتَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ...^۲

کسی که حقوق کارگری را پایمال کند، خداوند اعمال او را تباه و او را از بهشت محروم می‌کند.

امام کاظم علیه السلام نیز از پدران بزرگوار خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا رَجُلًا إِغْتَصَبَ اجِيرًا أُجْرَهُ، أَوْ مَهْرَ امْرَأَةٍ.^۳

خداوند متعالی هرگناهی را می‌بخشد، مگر کسی که دستمزد کارگر یا مهریه زنی را نپردازد.

روایات فراوانی آمده است: پیش از این که عرق کارگر بخشکد، دستمزدش را بپردازید.^۴

ب. آزادی در انتخاب شغل

از اصول اساسی در اقتصاد اسلامی، تأمین آزادی افراد در همه زمینه‌ها است، و از آن جا که این آزادی با مسؤولیت همراه است، ضوابطی دارد. بر این اساس، نیروی کار، آزاد است مطابق استعداد و سلیقه خود، در هر مکانی، شغل انتخاب کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید:

تمام مناطق از آن خدا است و همه، بندگان اویند؛ پس هر جا به خیری دست یافتی،

اقامت کن.^۵

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در نامه‌ای به قرظة بن كعب انصاری حاکم فارس می‌نویسد:

گروهی از مردم حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و اظهار داشتند که نهر آن‌ها خشک شده است. اگر آن را حفر کنند و به آب برسانند، منطقه آن‌ها آباد می‌شود و بر دادن خراج قدرت می‌یابند و مقدار مالیات پرداختی از ناحیه آنان فراوان می‌شود. از من خواستند که به تو نامه‌ای بنگارم تا آن‌ها را بر حفر نهر و تدارک هزینه آن، گرد آوری، و من شخصی را به کاری که مایل نیست، وا نمی‌دارم؛ پس آن‌ها را نزد خود بخوان. اگر مطلب همان‌گونه باشد، هر کس را که به کار لایروبی نهر مایل باشد، به کار گمار و نهر از آن فردی است که در آن کار کند، نه آن‌که تمایل به کار ندارد. آباد کردن نهر و قدرت یافتن در زمین نزد من، از سستی آن‌ها محبوب‌تر است.^۶

در برخی از روایات نیز آمده است که هر گاه کسی زمینی را اجاره می‌کند، کارگرانی که روی زمین کار می‌کنند، همراه با زمین منتقل نمی‌شوند و کسی حق ندارد آن‌ها را وا دارد تا برای صاحبکار بعدی کار کنند؛ بلکه آزادند هر جا بخواهند بمانند و هر جا بخواهند بروند.^۷

ج. احترام به قراردادها

یکی از مشکلاتی که کارگران به طور معمول با آن مواجهند، این است که صاحبان کار، هنگام رکود، آنان را اخراج می‌کنند و هر گاه کارگری را با دستمزد کم‌تر ببیند، عذر کارگر پیشین را می‌خواهند؛ چنان‌که برخی کارگران ماهر، چنین مشکلی را برای کار فرما فراهم می‌کنند؛ یعنی وقتی کاری با دستمزد بالاتر می‌یابند، محل کار خود را ترک می‌کنند. در برخی نظام‌ها خواهسته‌اند از طریق وضع قوانین کار و ایجاد اتحادیه‌های کارگری و انعقاد قرارداد، مشکل را حل کنند؛ اما به سبب نداشتن پشتوانه اخلاقی، هر یک از دوطرف، در پی یافتن راه‌گریزی هستند. در نظام اسلامی، افزون بر جنبه‌های حقوقی، از جهت ایمانی نیز بر احترام قراردادها و وفای به آن‌ها تأکید فراوانی شده است.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مسلمانان باید به قراردادهای خود پایبند باشند؛ مگر این که در آن حلالی، حرام یا حرامی، حلال شده باشد.^۸

محمد بن حسن صفار، درنامه‌ای، از امام حسن عسکری علیه السلام دربارهٔ مردی می‌پرسد که کارگری را استخدام می‌کند تا برای او بنایی بسازد و در مقابل به او، غذا و پنبه و مانند آن بدهد؛ سپس قیمت غذا یا پنبه کم یا زیاد می‌شود. آیا به او به قیمت روز پرداخت بدهد یا به قیمت روز محاسبه؟ امام علیه السلام فرمود: به قیمت روزی که با او قرارداد بسته است، پردازد.^۹

د. امنیت شغلی کارگر

هر گاه کارگر دربارهٔ آیندهٔ خود و خانواده‌اش امنیت خاطر داشته باشد، کار او از کمیت بیش‌تر و کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود؛ به همین جهت، امروزه در بیش‌تر کشورها، کارگران تحت پوشش بیمه‌های گوناگون از قبیل بیمهٔ درمان، حوادث، فوت و بازنشستگی قرار دارند و صاحبان کار، اعم از بخش خصوصی یا دولتی موظفند بخش عمده‌ای از هزینهٔ این بیمه‌ها را تأمین کنند. در دین اسلام نیز به این مسألهٔ توجه فراوانی شده است و افزون بر اصل تکافل عمومی که همهٔ مسلمانان را در برابر یک‌دیگر در این باره مسؤول می‌داند، دولت اسلامی نیز موظف است زمینهٔ فراهم ساختن چنین تسهیلاتی را پدید آورد. در نظام اسلامی، حتی غیر مسلمانانی که در جامعهٔ اسلامی زندگی می‌کنند، از چنین امکاناتی برخوردارند.^{۱۰} همچنین اشخاصی که به عللی، توان فعالیت اقتصادی ندارند یا در اثر حادثه‌ای، توان خود را از دست می‌دهند، تحت پوشش حمایتی دولت اسلامی قرار می‌گیرند. بخشی از درآمدهای حاصل از خمس، زکات، صدقات و دیگر درآمدهای دولت اسلامی، تأمین‌کنندهٔ چنین هزینه‌هایی است. از امام موسی کاظم علیه السلام در این باره نقل شده است:

کسی که در پی روزی حلال برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش می‌رود، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند؛ پس اگر برای او حادثه‌ای پیش آید که از کار بازماند، گذران زندگی خانواده‌اش به عهدهٔ خدا و پیامبر او [= دولت اسلامی] است و اگر فوت کند، پرداخت بدهی او را امام به عهده می‌گیرد و اگر پردازد، گناه آن به عهدهٔ او است؛ زیرا خداوند متعالی فرموده: «همانا صدقات برای فقیران و درماندگان و کارگزاران زکات و ... و بدهکاران است»، و این شخص، مسکین و بدهکار به شمار می‌رود.^{۱۱}

ه. تحمیل نکردن کارهای سنگین

آدمی به سبب روحیه نفع طلبی، در پی آن است که منافع خود را از هر راهی افزایش دهد؛ کارفرمایان بدین جهت، در تهذیب خود گام برنداشته، از جانب دولت نیز نظارت نشوند، هر جا فرصتی بیابند، در صدد اعمال فشار به کارگران و زیردستان خود برآمده، آن‌ها را استثمار می‌کنند. مطالعه وضعیت رقت‌بار کارگران کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم، گویای این واقعیت است و این رفتار، در درازمدت، میزان تولید و کیفیت را کاهش می‌دهد. در جامعه اسلامی برای رعایت حال کارگران و زیردستان، سفارش‌های فراوانی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان یادآوری می‌کند که از آن چه می‌خورید، به افراد زیر دست خود نیز بخورانید و از آن چه می‌پوشید، به آنان بیوشانید و آنان را به کارهای بیش از طاقتشان وادار نکنید.^{۱۲}

ساعات کار کارگر باید به گونه‌ای تنظیم شود که فرصت عبادت و استراحت نیز داشته باشد.^{۱۳}

و. امین بودن نیروی کار

کسی که برای کاری استخدام می‌شود و ابزاری در اختیار او قرار می‌گیرد، امین است و اگر آن وسیله، بدون کوتاهی شخص، خسارت دید، ضامن نیست. امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی که شترداری را اجیر کرد و او بار وی را شکست یا ریخت فرمود:

به فرد بستگی دارد. اگر شخص مورد اعتمادی باشد، چیزی بر او نیست و گرنه، خسارت

بر عهدهٔ او قرار دارد.^{۱۴}

بدیهی است که رعایت این حقوق، موجب دلگرمی کارگر می‌شود، و انگیزهٔ او را برای کار بیش‌تر می‌کند.

ز. امکان مشارکت کارگر در سود

در نظام سرمایه‌داری، کارگران به طور معمول از دستمزد ثابت و از پیش تعیین شده برخوردارند. در نظام اسلامی، نیروی کار، افزون بر این می‌تواند در فعالیت تولیدی شرکت داشته باشد و به جای گرفتن دستمزد ثابت، سهمی از سود را از آن خود کند و چه بسا از روایات استفاده می‌شود که در صورت امکان شرکت در تولید، بهتر است کارگران با گرفتن مزد مقطوع استخدام نشوند.^{۱۵} قراردادهای مضاربه، مساقات و مزارعه به این منظور تشریح

شده‌اند و در جای خود ثابت شده است که مشارکت در سود، انگیزه کارگران را در بالا بردن کمیت و کیفیت کار افزایش می‌دهد.

دو. وجوب کفایی فعالیت‌های ضرور و تحریم فعالیت‌های مضر

اسلام برای تنظیم امور اجتماع، افزون بر ارشادها و سفارش‌های فراوان درباره کار و کوشش که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهیم کرد. و نیز تأکید بر حقوق نیروی کار و تشویق به تولید کالاهای گوناگون کشاورزی و صنعتی و نیز انجام خدمات مختلف مورد نیاز مردم، تولید برخی از کالاها و انجام دادن بعضی از خدمات را واجب، و برخی را حرام می‌داند. به‌طور کلی، تولید کالاها و خدماتی که حیات افراد و قوام اجتماع، بر آن‌ها ترتب دارد یا استقلال و عزت جامعه در گرو تولید آن‌ها است، بر تمام افرادی که توانایی تولید آن‌ها را دارند، واجب است؛ البته در صورتی که عده‌ای در حد رفع نیاز اقدام کنند، و جوب از دیگران ساقط می‌شود؛ به‌طور مثال می‌توان به تولید برخی کالاهای صنعتی، پزشکی، کشاورزی، تجهیزات دفاعی و نیز خدمات آموزشی اشاره کرد؛ چنان‌که تولید تمام کالاها و خدماتی که برای اجتماع ضرر دارد، تحریم شده است. با تحریم این فعالیت‌ها، افزون بر جلوگیری از مفاسدی که بر آن‌ها مترتب است، از اشتغال عوامل تولید در مسیرهای انحرافی نیز پیشگیری می‌شود.

سه. جلوگیری از تعدد واسطه

از عوامل افزایش قیمت‌ها، وجود واسطه‌های فراوان بین تولید و مصرف است که بدون نقش در توزیع کالا، صرفاً با دلایل بازی و معامله‌های ظاهری، بر قیمت می‌افزایند. اسلام، اصل تجارت و خرید و فروش را تشویق کرده؛ اما از تعدد واسطه‌های غیر ضرور، نهی شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

ریخته‌گری از امام می‌پرسد: کاری را می‌پذیرم؛ سپس همان کار را به شاگردهایی که با من کار می‌کنند، وا می‌گذارم به شرط این که فقط دو سوم اجرت به آن‌ها تعلق گیرد. امام فرمود: این کار درست نیست، مگر این که خودت هم در کار با آن‌ها شرکت کنی.^{۱۶}

بر همین اساس، اگر کسی خانه‌ای را به قیمتی اجاره کند نمی‌تواند آن را به قیمتی بیش‌تر

به دیگری اجاره دهد، مگر این که در آن، کاری انجام دهد.

این حکم در مواردی، خرید و فروش را نیز در بر می‌گیرد؛ برای مثال، کسی از امام هفتم پرسید: شخصی طعمی را می‌خرد. آیا می‌تواند پیش از تحویل، آن را به دیگری بفروشد؟ امام در پاسخ فرمود: اگر با سود بفروشد نمی‌تواند این کار را پیش از تحویل گرفتن انجام دهد.^{۱۷}

یکی از راه‌های جلوگیری از واسطه‌گری در اسلام، نهی از «تلقی رکبان» بود. وقتی کاروان تجاری به شهر نزدیک می‌شد، عده‌ای به بیرون شهر به استقبال کاروان رفته، کالای آنان را به قیمتی ارزان خریده؛ سپس به بهایی گران در شهر عرضه می‌کردند. از این واسطه‌گری که بدون هیچ ارزش افزوده‌ای قیمت‌ها را افزایش می‌داد، نهی شد.^{۱۸}

چهار. برخورداری از اطلاعات کامل

یکی از شرایط کارایی بازار، وجود اطلاعات کامل و شفافیت اطلاعات بین بنگاه‌ها و بین آنان با مصرف‌کنندگان است. هر چه دستیابی به اطلاعات آسان‌تر باشد، امکان رقابت بیشتر است. اسلام، از یک سو با تحریم دروغ و غش در معامله‌ها، و از سوی دیگر با قراردادن علم به محتوای قراردادها از جمله شرایط صحت معامله‌ها، این شرط را تأمین کرده و در صورت اثبات خلاف آن، برای طرف مقابل، حق فسخ قرار داده است؛ برای مثال، کسی که کالای معیوبی را در معرض فروش قرار می‌دهد، ناگزیر است مشتری را از عیب آن آگاه سازد که وی با آگاهی کامل آن را بخرد تا حق فسخ نداشته باشد. افزون بر این، پیشوایان دینی با ذکر آثار وضعی دروغ، خیانت و ... در تربیت انسان‌ها و از بین بردن زمینه‌های این آفات کوشیده‌اند. یکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی ما می‌آمد و در حالی که مشغول تجارت بودیم، می‌فرمود: ای گروه تاجران! از دروغ بپرهیزید.^{۱۹}

آرد فروشی خدمت امام صادق علیه السلام آمد. حضرت فرمود: از این که چیز دیگری را با آرد مخلوط کنی و به حساب آرد بفروشی بپرهیز؛ زیرا کسی که در دارایی‌های دیگران خیانت کند، در دارایی‌های او خیانت می‌شود و اگر دارایی نداشته باشد، به خانواده‌اش خیانت می‌شود.^{۲۰}

از عوامل شفافیت اطلاعات، منع کم‌فروشی است که قرآن و احادیث، بر آن تأکید کرده‌اند:

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا
فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.^{۲۱}

و ای قوم من! پیمانه‌ها و ترازو را از روی عدالت تمام دهید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بر مدارید.

وضع این ممنوعیت‌ها، سبب افزایش اعتماد واحدهای اقتصادی و مصرف‌کنندگان به یک‌دیگر شده، بر سرعت و سهولت و در نتیجه، کارایی معامله‌ها می‌افزاید.

پنج. ممنوع بودن احتکار

از رفتارهای ناپسند در حوزه توزیع که اسلام به شدت با آن مبارزه کرده، این است که اشخاص به منظور افزایش مصنوعی قیمت کالاها، برای مدتی آن‌ها را از چرخه توزیع خارج می‌کنند. بدیهی است که این رفتار، روال طبیعی اقتصاد را به هم زده، دچار آسیب می‌کند. در زشتی احتکار همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

اگر شخصی طعامی را خریده، آن را به منظور گران شدن قیمت، چهل روز نگاه دارد، سپس آن را بفروشد و بهای آن را صدقه دهد، کفاره گناهی که کرده است، نخواهد شد.^{۲۲}

حضرت علی رضی الله عنه نیز در نامه خود به مالک اشتر درباره رفتار با محتکران می‌فرماید:

جلو احتکار را بگیر؛ زیرا رسول خدا از آن منع کرد. مواظب باش خرید و فروش آنان با ترازوهای بی‌کم‌وکاست و با نرخ‌هایی عادلانه به گونه‌ای که به هیچ‌یک از خریدار و فروشنده اجحاف و زیاده‌روی نشود، انجام گیرد. هرکس مرتکب احتکار شود، پس از آن که او را نپسندید، به کیفر و جزای خود که مناسب با آن بوده، تند و خشن نباشد، برسان.^{۲۳}

از روایت نخست و برخی روایات دیگر استفاده می‌شود که احتکار به برخی مواد خوراکی مربوط است؛ اما از روایات دیگر چون فرمایش امیر مؤمنان رضی الله عنه آشکار می‌شود که ملاک در تحریم، ضرورت و نیاز جامعه است؛ اعم از این که کالای احتکار شده از مواد غذایی باشد یا غیر آن. حضرت درباره گروهی از بازرگانان می‌فرماید:

گروهی از تاجران در معامله‌ها سخت‌گیر و دارای بخلی ناپسندند. منافع عمومی را احتکار کرده، در معامله‌ها زورگویی می‌کنند که موجب ضرر برای توده مردم و ننگ بر زمامداران است؛^{۲۴}

چنان‌که رسول خدا ﷺ هر احتکاری را که موجب افزایش قیمت‌ها و آسیب رساندن به مردم شود، ناپسند می‌شمرد.^{۲۵}

شش. برخورد با انحصار

در متون اقتصادی، ثابت است که بازار انحصاری، موجب زیان مرده اجتماعی شده،^{۲۶} رفاه کل جامعه را کاهش می‌دهد.^{۲۷} در نظام اسلامی به طور مستقیم تحت این عنوان بحث نشده؛ ولی از رهنمودهایی که در موارد دیگر داده شده می‌توان استنباط کرد که رفتار انحصاری، مورد تأیید شریعت نیست و اگر در مواردی بر حسب ضرورت، عرضه یا تقاضای کالایی در انحصار فرد یا گروه و از جمله خود دولت قرار گیرد، با حذف خصلت انحصاری است. برخی از شواهد مردود بودن بازار انحصاری در اسلام عبارتند از:

الف. ملکیت ثروت‌های طبیعی، به دولت اسلامی مربوط است، و فرد یا گروه خاصی، اجازه استفاده انحصاری از آن‌ها را ندارند؛ البته دولت می‌تواند در ازای اجاره یا سهم معینی از درآمد آن‌ها را در اختیار افراد قرار دهد.

ب. گذشت که یکی از احکام بازار اسلامی، ممنوع بودن احتکار است. محتکر باید کالاها را در معرض عموم قرار دهد تا قیمت آن در وضعیت طبیعی تعیین شود، پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

کسی که در موردی از نرخ‌های مسلمانان دخالت کند تا قیمت را برای آن‌ها گران سازد، بر خداوند متعالی است که او را در سخت‌ترین جای جهنم وارونه پرتاب کند.^{۲۸}

کسی که [حتی] گرانی قیمت‌ها را برای امت من آرزو کند، خداوند عملش را تا چهل سال از بین خواهد برد.^{۲۹}

تفاوت انحصار با احتکار در این است که احتکار به طور معمول در بخش توزیع است؛ ولی انحصارگر، هم در بخش تولید و هم در بازار کار ظاهر می‌شود، و گاه به شکل انحصار در خرید، و گاه به شکل انحصار در فروش عمل می‌کند.

ج. انحصار با عدم بهره‌گیری کامل از عوامل تولید، بخشی از توان تولیدی جامعه را از بین می‌برد و در مواردی برای افزایش یا تثبیت قیمت انحصاری به از بین بردن محصول اقدام می‌کند؛ در حالی که بخش قابل توجهی از افراد جامعه به آن نیاز دارند و در اثر قیمت بالا نمی‌تواند آن را تهیه کنند و چنین شیوه‌ای با ارزش‌های اسلامی سازگار نیست.^{۳۰}

هشت. تحریم اسراف و تبذیر

اسراف، به مصرف بیش از حد متعارف مال، و تبذیر، به مصرف ناروای آن به طوری که غرض عقلایی و درست بر آن مترتب نباشد، اطلاق می‌شود. در قرآن کریم از هر دو ماده نهی شده است.^{۳۱} از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

کم‌ترین درجه اسراف ... این است که لباس مهمانی را هنگام کار بپوشی.^{۳۲}

بر این اساس، نه تنها زیاده‌روی در مصرف، بلکه بد استفاده کردن از آن‌ها نیز تحریم شده است، و این، منابع طبیعی، و عوامل تولید از جمله نیروی انسانی را نیز در برمی‌گیرد؛ البته مصادیق اسراف در مصرف و استفاده از منابع و محدوده آن، در زمان‌ها و جوامع گوناگون متفاوت است.

هشت. تحریم اتلاف

یکی دیگر از محدودیت‌ها در استفاده از اموال، ممنوع بودن اتلاف است. هیچ کس حق ندارد کالایی را نابود کند یا سبب از بین رفتن آن شود. در اندیشه دینی، از آن جا که انسان و دارایی‌های او امانتی از سوی خداوند است، در استفاده از عمر و اموال خود آزادی مطلق ندارد.

نه. ممنوع بودن ربا

یکی از آفاتی که تولید و اشتغال را تهدید می‌کند، رواج بهره در فعالیت‌های اقتصادی است. بهره، افزون بر آسیب رساندن به ارزش‌های اخلاقی چون ایثار، تعاون،

قرض الحسنه و به طور کلی نوع دوستی، اقتصاد را نیز آسیب پذیر می کند. با تجویز بهره، صاحبان سرمایه از شرکت در فعالیت های تولیدی که به طور معمول با ریسک همراه است، خودداری کرده، به سمت قرض ربوی روی می آورند. تولید کنندگانی هم که از این قرض ها استفاده می کنند، به ناچار بدون توجه به نیاز جامعه، به سمت تولید کالاهایی می روند که سودی بیش تر از بهره قرض داشته باشد.

امام رضا علیه السلام درباره علت تحریم ربا می فرماید:

ربا موجب از بین رفتن معروف، نابودی اموال و تمایل مردم به سود، و ترک قرض می شود.^{۳۳}

یازده. قاعده لاضرر

مدرک این قاعده، روایتی است که در وقایع متعدّد و با تعبیر گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است:

لاضَرَرٌ وَ لا ضِرَارٌ فِی الْاِسْلَامِ.^{۳۴}

در اسلام، احکامی که برای مکلف ضرر ایجاد کند یا به ضرر بینجامد، تشریح نمی شود. احکامی که موجب ضرر بر دیگران شود نیز مورد تأیید شرع نیست. از بر این اساس، هر گونه اقدام نیروی کار و نیز کارفرما که موجب ضرر دیگری شود، باید جلوگیری کرد.

دوازده. مبارزه با اتراف

در اسلام به رفاه انسان ها توجه کافی شده و در روایاتی، کار برای افزایش رفاه خانواده، عبادت به شمار آمده است. با وجود این، هر گونه مصرف گرایی و خوش گذرانی که انسان را از یاد خداوند و آخرت غافل سازد، نکوهش شده است.

و چه بسیار جوامعی که آن ها را نابود کردیم؛ زیرا زندگی خوش، سرمستشان کرده بود. این مسکن آنان است که پس از ایشان جز برای عده کمی مورد استفاده قرار نگرفته است و ماییم که وارث آنان بودیم.^{۳۵}

۲. احکام تشویقی

اسلام، فقط به وضع مقررات و احکام الزامی بسنده نکرده؛ بلکه برای تعالی بیش‌تر مسلمانان و نزدیک‌تر شدن به نظام مطلوب اسلام، احکام تشویقی و تنزیهی نیز بیان شده‌اند. در این بخش، برخی از این احکام بررسی می‌شود.

یک. تشویق به کار و نکوهش تنبلی

اسلام، دین کار و کوشش است و به رغم تبلیغاتی که گاهی از جانب مخالفان مبنی بر تشویق روحیه دنیاگریزی و ترغیب به آخرت‌گرایی در این دین می‌شود و گریز از کار را از نتایج این نگرش در میان مسلمانان می‌دانند، منابع دینی ما پر از روایاتی است که بر این امر تأکید فراوان کرده و آن را از بهترین و ارزشمندترین عبادت‌ها شمرده است. قرآن، آفرینش روز و روشنایی آن را برای تأمین معاش ذکر کرده است:

وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا. ۳۶

روز را برای کسب روزی و معیشت قرار دادیم.

در روایتی آمده است که وقتی رسول خدا ﷺ از جنگ تبوک باز می‌گشت، سعد انصاری به استقبال حضرتش شتافت و به او دست داد. پیامبر به وی فرمود: «چه صدمه و آسیبی به دست تو رسیده که دستت زبر و خشن شده است؟» سعد عرض کرد: ای رسول خدا! با طناب و بیل کار می‌کنم و درآمدی برای معاش زندگی خود به دست می‌آورم؛ از این رو دستم خشن شده است. پیامبر ﷺ دست او را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش دوزخ به آن نمی‌رسد». ۳۷

در روایت دیگری، پیامبر اکرم ﷺ کسی را که بار خود را به دوش دیگران افکنده، حقوق خانواده خود را تزییع می‌کند، لعنت کرده است. ۳۸

برخی روایات به آثار سوء بیکاری پرداخته و گفته‌اند: فقط تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد؛ بلکه رشد روح و قوای معنوی و فکر و فرهنگ و تربیت او نیز به کار وابسته است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

مردم در حالت بیکاری، بی‌نهایت گستاخ، و به ناسپاسی گرفتار می‌شوند تا جایی که فساد فراوان و کارهای زشت رواج می‌یابد؛ زیرا اگر تمام این‌ها [= امور معاش و کارهای لازم زندگی] در اختیار انسان قرار می‌گرفت و به کار و کوشش در این امور نیازی نداشت، دیگر زمین زیر پای او [از گستاخی و ناسپاسی] بند نمی‌شد و کار او به جایی می‌رسید تا به کارهایی دست زند که مایه نابودی خود باشد...^{۳۹}

در روایات فراوان دیگری، بیکاری و تن‌پروری و گریز از کار به بهانه‌های گوناگون نکوهش شده است.^{۴۰} سیره معصومان علیهم‌السلام نیز این بوده که به کار و کوشش و تأمین گذران زندگی از دسترنج خود، اهتمام فراوانی نشان می‌داده‌اند.^{۴۱}

اسلام، بین کار و بندگی خداوند، منافاتی نمی‌بیند. مهم این است که انسان در هر حال، وظیفه‌اش را انجام دهد؛ چنان‌که نقل شده است: وقتی حضرت علی علیه‌السلام از جنگ برمی‌گشت، به آموزش مردم و قضاوت در بین آن‌ها مشغول می‌شد و هنگامی که از این کارها فراغت می‌یافت، در باغ خود کار می‌کرد و در همه این حالات ذاکر خدا بود.^{۴۲}

حضرت با کار و کشاورزی و احداث چشمه‌ها و نخلستان‌ها، از ثروتمندترین افراد زمان خود شد و از دسترنج خود هزار برده خرید و رهانید و همه باغ‌های احداثی خود را برای مستمندان وقف کرد؛^{۴۳} البته افراط در کار و پرهیز از هر گونه استراحت و تفریح نیز پسندیده نیست؛ به‌ویژه اگر به انگیزه حرص و طمع و کثرت‌طلبی باشد. انسان باید بخشی از وقت خود را برای استراحت و بخشی را برای تهذیب و رشد کمال اخلاقی و افزایش دانش دینی و اجتماعی قرار دهد.^{۴۴} امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

بکوشید وقت خود را چهار قسمت کنید: بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای تأمین معاش، و قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیوبتان را برای شما بیان کنند و در باطن به شما اخلاص ورزند، و بخشی نیز فراغتی برای لذت‌های مشروع شما باشد.^{۴۵}

این رهنمودها در چگونگی شکل گرفتن تابع عرضه کار مسلمان، بسیار مؤثر است.

مقدار مزد، یکی از عوامل تعیین کننده تخصیص کار و فراغت در کارگران است؛ یعنی کارگران در مزدهای پایین، به عرضه مقدار کمی کار حاضرند و به عکس، در دستمزدهای بالا، از فراغت خود کاسته، کار بیش تری ارائه می دهند.

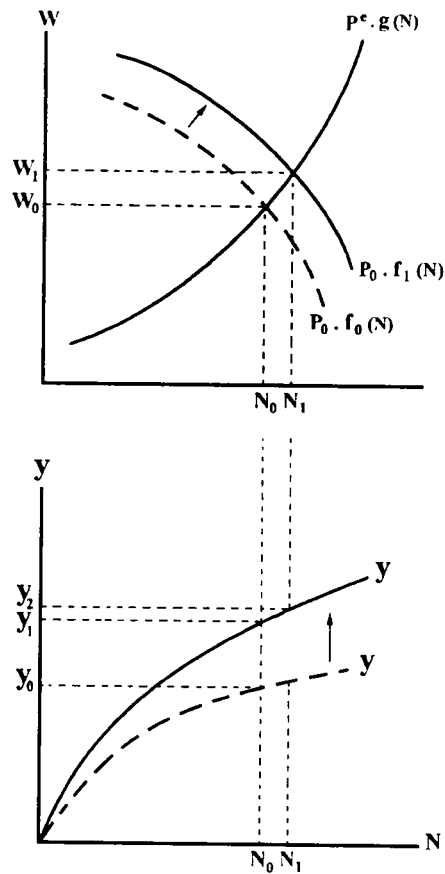
کارگر مسلمان به لحاظ این که تأمین هزینه زندگی خود و خانواده اش بر او واجب است، حتی در وضعیتی که دستمزدها کم باشد نیز از کار دست نخواهد کشید؛ البته از طرف دیگر، به کارفرمایان نیز اجازه داده نشده است که با ایجاد وضعیت مصنوعی و کاهش دستمزدها، حقوق کارگران را پایمال کنند. همچنین به جهت این که بخشی از ساعات زندگی مسلمان به عبادت و نیز آسایش خود و خانواده اش اختصاص دارد، با افزایش دستمزد، تأثیر فراوانی بر میزان اشتغال آنان نخواهد داشت؛ البته مسلمان در حدی که به فراغت و عبادت او آسیب نرسد، در ازای دستمزد بالاتر، کار بیش تری را عرضه می کند.

از دیگر تفاوت های کارگر مسلمان با کارگر غیرمسلمان این است که برخی از آنان با بالا رفتن درآمد، از ساعت کار خود کاسته، بر فراغت خود می افزایند،^{۴۶} به گونه ای که اگر به طور کامل تأمین باشند، انگیزه کار در آنان از بین می رود؛ در حالی که مسلمان، حتی اگر هزینه زندگی خود تا آخر عمر را نیز داشته باشد، به جهت نگرش خاص به کار، از کار دست نخواهد کشید.

این، گذشته از اشتغال، ناهنجاری های اجتماعی چون دزدی، جنایت، اعتیاد و ناامنی را نیز کاهش خواهد داد.

دو. اهمیت دادن به بهره‌وری و کارایی

از اساسی ترین اهداف سیاست درآمدی، افزایش کارایی نیروی کار و ایجاد تناسب بین سطح دستمزد کارگران و میزان کارایی آنان است. منحنی تقاضای کار نیز با بهره‌وری نیروی کار تناسب دارد؛ یعنی با افزایش بهره‌وری، تولید نهایی کارگر بالا می‌رود، کارفرما حاضر است دستمزد بیش تری بپردازد. به طور طبیعی با افزایش شیب تولید (تولید نهایی) با میزان مشخص نیروی کار، سطح تولید نیز افزایش می‌یابد.



«نمودار تناسب بین دستمزد و بهره‌وری»

در نظام اقتصادی اسلام نیز به منظور تحقق این هدف، رهنمودهایی ارائه شده است که برخی از آن‌ها را از زبان معصومان علیهم‌السلام بیان می‌کنیم.

أ. اهمّیت دادن به کیفیت کار

در دین اسلام، به کیفیت کار، دقت در کارها و کوشش برای انجام شایسته آن‌ها، در رفتار و گفتار پیشوایان معصوم تأکید شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

کارتان را استوار و محکم انجام دهید.^{۴۷}

امام صادق علیه السلام اشخاص بی‌مبالات را در ردیف افراد خائن قرار داده، می‌فرماید:

تفاوت نمی‌کند که به خائن یا بی‌مبالات اعتماد کنم.^{۴۸}

ب. تناسب مسؤلیت‌ها با تخصص مورد نیاز

بدیهی است که انجام کار نیکو، نتیجهٔ معرفت و دانش، تجربه و تخصص و زحمت و کوشش است؛ به همین جهت، ضمن تأکید بر یادگیری و کسب تخصص لازم و ایجاد زمینه‌های مورد نیاز آن، به تناسب مسؤلیت‌ها و دانش و توانایی لازم، به انجام دادن آن‌ها، اهمیت فراوانی داده شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

سزاوار نیست که مؤمن خود را خوار کند. به حضرت گفته شد: مؤمن چگونه خود را خوار می‌کند؟ فرمود: خود را در معرض کاری قرار می‌دهد که از او ساخته نیست.^{۴۹}

از طرف دیگر، از معیارهای مهم در واگذاری مسؤلیت‌ها، کفایت و کاردانی و امانت و درستکاری دانسته شده است. این مطلب مضمون فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است:

کسی که کارگزاری را بر مسلمانان بگمارد، در حالی که می‌داند در میان آنان کسی شایسته‌تر و عالم‌تر از برگزیدهٔ وی به کتاب خدا و سنت پیامبر وجود دارد، به خدا و رسولش و همهٔ مسلمانان خیانت کرده است.^{۵۰}

امام علی علیه السلام نیز ملاک‌های توفیق هر کاری را در سه چیز می‌داند:

۱. مهارت و استادی در کار ۲. امانتداری و درستکاری ۳. جلب رضایت مشتری.^{۵۱}

ج. آینده‌نگری و تدبیر

یکی دیگر از عوامل مؤثر در افزایش تولید و بهبود کیفیت آن، آینده‌نگری و در نظر گرفتن عاقبت کارها است.

آگاهی از آیندهٔ بازار کالا یا خدمتی که ارائه می‌شود و بازار عوامل تولید، در میزان سرمایه‌گذاری و تربیت نیروی متخصص مؤثر است و آینده‌نگری و تدبیر در کارها و داشتن برنامه در همهٔ بخش‌ها اعم از اقتصادی و غیر آن، از ارکان مهم پیشرفت و توسعهٔ آن بخش به شمار می‌رود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اهمیت تدبیر در کارها به ابن مسعود می‌فرماید:

ای پسر مسعود! هر گاه قصد کاری داری، آن را با دانش و تخصص و عقل و درایت انجام بده و از عمل بدون فکر بپرهیز؛ زیرا خداوند جل جلاله می‌فرماید: «و در مثل، مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن و اتابد، نباشید.»^{۵۲}

امام علی علیه السلام نیز یکی از صفات مؤمنان را آینده‌نگری شمرده است،^{۵۳} و در جای دیگر، آینده‌نگری را موجب بصیرت یافتن و بی‌برنامگی را سبب سرگردانی می‌داند.^{۵۴} براساس روایات دیگری، بسیاری از مشکلات اقتصادی فرد و اجتماع از سوء‌تدبیر سرچشمه می‌گیرد.^{۵۵}

د. استفاده از فرصت‌ها

بیکاری پنهان، وقت‌گذرانی، اشتغال به امور بیهوده و به‌طور کلی استفاده نکردن بهینه از فرصت‌ها، یکی از عوامل پایین بودن بهره‌وری افراد و تولید کل در اقتصاد است. طبق روایات، روزها و ساعات سرمایه‌های گرانبهایی شمرده شده که خداوند در اختیار انسان قرار داده است و از دست دادن هر لحظه آن، حسرتی شدید را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره به ابوذر سفارش می‌کند:

ای ابوذر! درباره عمر خود، از پول و ثروت خود حریص‌تر باش.^{۵۶}

از امام علی علیه السلام نقل شده است:

از امروزت برای فردایت توشه بگیر و گذشت وقت را غنیمت شمار و از فرصت‌های ممکن استفاده کن.^{۵۷}

حضرت از تأخیر در انجام امور، و امروز و فردا کردن، به شدت نهی کرده است:

از به تأخیر انداختن عمل بپرهیز و هنگام ممکن شدن عملی، بی‌درنگ آن را انجام دهید.^{۵۸}

پرهیز از سستی و کم‌کاری نیز از دیگر سفارش‌های امامان علیهم السلام است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

از کم‌کاری و سستی هنگام پدید آمدن فرصت بپرهیز؛ زیرا کوتاهی در کار، میدانی است

که زیان را برای تفریط کاران به ارمغان می آورد.^{۵۹}

بدیهی است که به رغم تأکید فراوان بر استفاده کامل از فرصت‌ها، شتاب بی‌مورد در کارها نکوهش شده است. امام عسکری علیه السلام در این زمینه فرموده است:

بر [چیدن] میوه‌ای که هنوز نرسیده، شتاب مکن و فقط هنگام رسیدنش آن را دریا ب ... و در دستیابی به نیازهایت پیش از وقت عجله نکن تا کم حوصله نشوی و ناامیدی تو را فرانگیرد.^{۶۰}

سه. تشویق به سرمایه‌گذاری و تولید

در دین اسلام، افزون بر سفارش‌ها و تشویق‌هایی که به‌طور عام درباره اشتغال صورت گرفته، به بخش‌های گوناگون اقتصاد چون کشاورزی، صنعت، تجارت و سرمایه‌گذاری در آن‌ها نیز به‌طور خاص توجه شده است. از امام صادق علیه السلام روایات بسیاری در زمینه تشویق به سرمایه‌گذاری و منع از راکد گذاشتن ثروت رسیده است:

بر تو باد که مالت را سرمایه‌گذاری کنی؛ زیرا با این کار، منزلتت آشکار شده، از بخیل بی‌نیاز می‌شوی.^{۶۱}

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

بدترین چیزی که شخص از خود باقی می‌گذارد، مال راکد است. [زراره می‌گوید عرض کردم: پس با آن مال چه کند؟] فرمود: آن را در ساختن بنایی (بستان یا خانه‌ای) سرمایه‌گذاری کند.^{۶۲}

محصولات کشاورزی، از ارقام اصلی تولید ناخالص ملی به‌شمار می‌رود و کشورهای که در این بخش، برتری نسبی دارند، از طریق تقویت این بخش، ضمن تأمین نیازهای داخلی خود با صادرات آن‌ها، تراز خارجی خود را اصلاح می‌کنند. افزون بر آن، از جهت این که غذا و مواد اولیه پوشاک مردم از این محصول تأمین می‌شود و نیز به اشتغال گروه فراوانی از مردم می‌انجامد، این بخش همواره مورد توجه پیشوایان معصوم علیهم السلام بوده است و افزون بر تشویق کردن مردم، خود نیز به آن اشتغال داشته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارزش

کشاورزی فرموده است:

هر کس نهالی را به ثمر برساند، خداوند به قدر محصول آن به او پاداش خواهد داد.^{۶۳}

کشاورزان در کلام امام صادق علیه السلام گنج‌های مردم شناسانده شده‌اند.^{۶۴} آب و زمین از منابع اصلی ثروت است و اگر شخصی با بهره‌مندی از این دو عامل، فقیر باشد، ناشی از تنبلی و بی‌تدبیری او است؛ به همین جهت، این شخص در کلام امیر مؤمنان علیه السلام نکوهش شده است:

کسی که آب و خاک داشته باشد و اظهار فقر کند، خداوند او را از خود دور می‌سازد.^{۶۵}

حفر چاه و ایجاد چشمه و قنات برای تأمین آب مورد نیاز کشاورزی و نیز آب آشامیدنی مردم، از اعمال صالح شمرده شده است.^{۶۶} حضرت علی علیه السلام با دست خود قنات‌های بسیاری مانند قنات «ابی نیزر» و «بغیغه» و چاه «ینبع» را حفر و در راه خدا وقف کرد که آثار برخی هنوز تحت عنوان «آبار علی علیه السلام» باقی است.^{۶۷}

شغل‌های دیگر نیز چون دامداری، دریانوردی و استخراج اشیای قیمتی و صید ماهی از دریا، صنعت و حرفه‌های دیگر، مورد توجه پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است و خداوند نیز برخی از پیامبران خود را در قرآن با چنین حرفه‌هایی می‌شناساند.^{۶۸}

چهار. بسنده کردن به سود کم

برخورداری بنگاه‌ها از سود فراوان در مدت طولانی، نشان‌دهنده کمی رقابت و عدم امکان ورود عرضه‌کنندگان دیگر به این بازار است. بر عکس، شرایط آزاد ورود و فزونی رقابت، دستیابی به سود بسیار را برای هر فروشنده ناممکن می‌سازد. در نظام اسلامی، وقتی صنعتی دارای سودآوری بالایی بود، به علت سهولت دستیابی به اطلاعات تولید و امکان استفاده از آن برای همه و نیز فقدان عوامل پدید آمدن انحصار، بنگاه‌های دیگر نیز به صنعت روی می‌آوردند و عرضه آن کالا افزایش و قیمت آن کاهش می‌یافت؛ در نتیجه، فرصت سودبری فراوان نیز منقضی می‌شد.^{۶۹}

در روایات سفارش شده است که فروشندگان به سود کم قناعت کنند و از اجحاف به مصرف‌کنندگان بپرهیزند؛ از جمله در بخشی از وصیتنامه حضرت علی علیه السلام به

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام آمده است:

چه بسا [سود] کم که از زیاد آن با برکت تر است.^{۷۰}

پنج. قناعت در مصرف

در وضعیت تورمی، وجود تقاضای بیش از حد، بر شدت تورم می‌افزاید، و بخشی از تقاضا، از نگرانی گران تر شدن کالاها و حرصی که مردم در این موقعیت برای خرید کالاها می‌یابند، سرچشمه می‌گیرد. آموزه‌هایی چون حرمت اسراف، احتکار، و کنز در کنار روحیه قناعت و مواسات، ریشه این گونه تقاضا و تورم را از بین می‌برد.

یکی از اموری که فقیران و افراد متوسط جامعه را رنج می‌دهد و به افزایش مصرف آنان می‌انجامد، وضعیت رفاهی طبقات ثروتمند جامعه است. امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود به نام عمرو بن هلال با استناد به آیاتی از قرآن مجید و نیز زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه به افرادی را که از نظر زندگی در وضعیت پایین تری هستند، سفارش می‌کند.^{۷۱}

شش. زهد

زهد در اسلام، دو جنبه روحی و عملی دارد. زهد روحی به معنای دل‌کندن از دنیا و مظاهر آن، مانند ثروت، قدرت و مقام است؛ یعنی انسان، خود را به آن‌ها وابسته نکند و به دنیاپرستی دچار نشود. روشن است که زهد به این معنا، با داشتن ثروت و مقام، هیچ‌گونه منافاتی ندارد و مصداق روشن آن، برخی از پیامبران، امامان علیهم السلام و اولیائند. در زمان ما، امام خمینی رحمته الله علیه نیز مصداق آشکار زهد روحی بود. او، به رغم نفوذ فراوانش، حتی اندکی به دنیا وابستگی نداشت.

زهد عملی به معنای کم کردن بهره‌مندی از نعمت‌ها و ترک پاره‌ای از لذت‌ها است. شواهد فراوانی نشان می‌دهد که نکته مورد تأکید اسلام، جنبه روحی زهد است که از عالی‌ترین صفات مؤمن بوده، موجب آزادی او از اسارت نفس و دلبستگی به مظاهر دنیا می‌شود؛ البته به رغم اصالت داشتن جنبه روحی زهد، جنبه عملی آن نیز گاه ضرورت می‌یابد. سیره عملی امامان علیهم السلام نیز چنین بوده است. آن‌ها به سبب مسؤولیت خطیر رهبری، برای اظهار همدردی با فقیران و نیز ترجیح دادن دیگران بر خود، زندگی ساده‌ای

همراه با قناعت داشتند و پیروان خود را نیز به این کار دعوت می‌کردند. امیر مؤمنان علیه السلام چنین زهدی را برای حاکمان امت اسلامی ضرور شمرده است:

زهد حاکمان و مسؤولان جامعه، تأثیر شگرفی در حل مشکلات اقتصادی جامعه و دعوت مردم به قناعت و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی خواهد داشت. پروردگار، مرا پیشوای مردم قرار داد؛ پس بر من واجب فرمود که در خوردن و نوشیدن و پوشیدن، اندازه نگه دارم و چون تهیدستان باشم تا فقیران به فقرم اقتدا کنند و ثروتمندان در اثر دارندگی به طغیان در نیایند.^{۷۲}

برخی دیگر از جنبه‌های زهد عملی چنین است:

۱. مصرف کم‌تر یا چشم‌پوشی از مصرف برخی اشیاء به جهت کمبود آن‌ها برای رفع نیاز مردم تا زمینه استفاده دیگران نیز فراهم آید. در این‌گونه زهد، انسان در مصرف خود، محدودیت‌هایی پدید می‌آورد تا دیگران در رفاه و آسایش بیش‌تری قرار گیرند. امیر مؤمنان علیه السلام در وصف انسان پرهیزکار می‌فرماید:

خود او از خویشتن در رنج، و مردم از او در راحتند.^{۷۳}

چنین زهدی، در صورت فراوانی معنا ندارد و فقط در صورت کمبود و تنگنای اقتصادی قابل تصور است. برخورد متفاوت امام صادق علیه السلام در زمان قحطی و فراوانی در عصر او، شاهد خوبی بر این مطلب است.

۲. زهد عملی، وسیله‌ای برای رسیدن به زهد روحی: دو جنبه زهد، بر هم اثر متقابل دارند؛ بدین جهت، گاهی برای ورزیده شدن در زهد روانی، لازم است انسان از برخی لذت‌ها چشم‌پوشد. امام علی علیه السلام در پاسخ کسی که از علت پوشیدن لباس مندرس حضرت پرسیده بود، فرمود:

به واسطه پوشیدن آن، دل خاضع، و نفس رام می‌شود و مؤمنان از آن پیروی می‌کنند.^{۷۴}

هفت. تشویق به مصرف

مطالبی که گفته شد، به معنای بازداشتن از مصرف بی اندازه و نظارت بر آن است؛ اما از

آنجا که اسلام، دینی متعادل است، برای این که گروهی در دام زهدهای منفی نیفتند و از دنیا و نعمت‌های آن کناره نگیرند، برخی مصرف‌ها را واجب و در مواردی به مصرف آن سفارش کرده است.

أ. مصرف‌های واجب

۱. مقدار مصرفی که برای ادامه حیات انسان و حفظ نفس از ابتلا به بیماری لازم است: اگر افراد، از طریق کار خویش نتوانند این مقدار را تأمین کنند، دولت اسلامی و مسلمانان وظیفه دارند آن را مهیا سازند.

۲. مصارف افراد تحت تکفل: هر مسلمانی وظیفه دارد نیازهای متعارف زندگی همسر و فرزندان و نیز پدر و مادر را (در صورت عدم توانایی آنان) تأمین کند. حتی سفارش شده است که افزون بر نیازهای ضرور خانواده، امکانات رفاهی متوسط مردم را برای آنان فراهم سازد. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

سزاوار است انسان بر خانواده‌اش توسعه بخشد تا آرزوی مرگ او را نکنند.^{۷۵}

۳. تأمین مقدار لازم برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است و راهی برای تأمین خوراک و پوشاک ندارند، بر هر مسلمان واجب است؛ گر چه آنان به‌طور معمول جزو عائله فرد به‌شمار نمی‌روند.

ب. مصارف مستحب

به‌طور کلی، استفاده از نعمت‌های الهی با رعایت شرایط آن، از دید شرع، پسندیده و مطلوب است و در آیات و روایات فراوانی بر این مطلب تأکید شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ.^{۷۶}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اشیای پاکیزه‌ای را که خداوند بر شما حلال کرده است، بر خود حرام، و [از آن چه حلال کرده نیز] تجاوز نکنید. همانا خداوند تجاوزکنندگان را دوست ندارد و از آن چه خداوند به شما روزی داده، در حالی که حلال و نیکو است،

بخورید و تقوای خدایی را که به او معتقدید، پیشه سازید.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

همانا خداوند، زیبایی و تزیین و آراستن را دوست دارد و فقر و فقیر جلوه دادن را مبعوض می‌دارد، و همانا هنگامی که خداوند به بنده‌اش نعمتی می‌دهد، دوست دارد اثرش را در او ببیند.^{۷۷}

در نامه امیر مؤمنان علیه السلام به حارث حمدانی آمده است:

باید اثر آن‌چه خداوند به تو نعمت داده است، در تو ظاهر شود.^{۷۸}

امام صادق علیه السلام در پاسخ سفیان ثوری که درباره پوشیدن لباس فاخر به حضرت اعتراض می‌کرد، پاسخ داد: رسول خدا در زمان تنگی و سختی بود و متناسب با آن تنگی و سختی، از نعمت‌های دنیا بهره می‌گرفت؛ ولی دنیا پس از آن، رو به فراوانی نهاد و سزاورترین اهل دنیا به آن، نیکان آن هستند.^{۷۹}

ج. تحلیلی درباره مصرف و آثار آن

از مجموع آن‌چه گذشت می‌توان دریافت که اسلام به مصرف چنان توجه کرده که رکود و تورم پیش نیاید؛ زیرا در صورت فراوانی کالاها و امکان سریع‌تر شدن رشد تولید با توجه به تشویق اسلام به مصرف و استفاده از نعمت‌های الهی، فراوانی کالاها و خدمات، موجب پایین آمدن بیش از حد قیمت‌ها نخواهد شد؛ زیرا در چنین حالتی، زمینه‌ای برای زهد از نوع اول باقی نمی‌ماند؛ بلکه گسترش در مصرف و توسعه در زندگی و ابراز نعمت‌های الهی مطلوب است؛ چنان‌که طبق روایات پیشین، امام صادق علیه السلام هنگام توسعه و وفور، لباس خوب می‌پوشید و برای خانواده‌اش غذای خوب تهیه می‌کرد؛^{۸۰} بنابراین در چنین حالتی، تقاضا برای کالاها و خدمات وجود دارد و زمینه برای سرمایه‌گذاری بیش‌تر و گسترش تولید مهیا است؛ به ویژه اگر در این‌جا به نظام مالیاتی اسلام و وجود انفاق‌ها و وظایف اقتصادی دولت اسلامی و به‌طور کلی به شیوه توزیع ثروت در اسلام توجه کنیم، مسأله روشن‌تر می‌شود؛ زیرا با وجود توزیع عادلانه و انفاق‌های مردم و کمک‌های دولت، افزون بر انگیزه مصرف برای ثروتمندان، قدرت خرید

و در پی آن، انگیزه مصرف برای فقیران نیز فراهم، و محدودیت درآمدی افراد نیز مرتفع می‌شود و در حالت عکس که تولید کم شده و گرانی ناشی از کمبود کالا بر جامعه حاکم باشد و امکان تأمین سریع نیازمندی‌ها وجود نداشته باشد، با توجه به سفارش‌های اسلام به زهد و مصرف کم‌تر و مراعات حال دیگران و اظهار همدردی با آنان، کمبود به قدری شدید و نمایان نخواهد بود که موجب توزّم شود.^{۸۱}

هشت. تشویق به انفاق

دین اسلام، در موارد متعددی در قرآن و سنت، مسلمانان را به کمک مالی به هموعان خود خوانده است. تشویق به وقف دارایی‌های افراد ثروتمند، وصیت به نیکوکاری، تشویق به قرض الحسنه و نیز تشویق به دستگیری از مستمندان، بخشی از این نمونه‌ها است. این سیاست‌های تشویقی، از جهات متعدد در حفظ تعادل اقتصاد تأثیر دارند:

۱. ایجاد تقاضای مؤثر در گروه‌های درآمدی پایین که از عوامل بازدارنده از رکود است.

۲. ایجاد اشتغال و بالا بردن بهره‌وری در بین طبقات ضعیف

۳. جلوگیری از اسراف در مصرف و ایجاد روحیه اتراف در بین گروه‌های درآمدی بالا.

نه. اهمیت دادن به معنویت

مسلمانان، در آموزه‌های اسلام به این نکته توجه داده شده‌اند که بین افعال معنوی و افزایش برکات خدا از یک طرف، و بین گناهان و کاهش نعمت‌های الهی از طرف دیگر، رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی جامعه‌ای که به رهنمودهای شریعت جامعه عمل می‌پوشاند، با افزایش برکات خداوند، آثار آن سیاست‌ها فزونی خواهد گرفت. در این باره، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به‌طور قطع برکاتی از آسمان وزمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به کیفر دستاوردها، گریبان آنان را گرفتیم.^{۸۲}

آیه‌ای دیگر، یکی از عوامل فرستادن باران را توبه و آمرزش خواهی می‌داند.

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر

شما باران فراوان فرستد و نیروی بر نیروی شما بیفزاید، و تبه‌کارانه روی برنگردانید.^{۸۳}

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز گرانی قیمت‌ها، کم‌شدن سودها و ... را نتیجهٔ غضب خداوند می‌داند:

هرگاه خداوند بر قومی غضب کرده، بر آن‌ها عذاب نفرستد، قیمت‌های آنان افزایش یافته، عمرهایشان کوتاه می‌شود. تاجران سود نمی‌کنند. میوه‌های آنان ناپاک، رودهای آنان کم‌آب، و ابرهایشان بی‌باران می‌شود و اشرار و بدان بر آنان تسلط می‌یابند.^{۸۴}

امام حسن علیه السلام نیز فرموده است:

اگر مردم به گفتار خدا و پیامبرش عمل می‌کردند، آسمان باران خود، و زمین برکاتش را بر آنان ارزانی می‌داشت، و هرگز دو شمشیر در میان این امت تلاقی نمی‌کرد و تا قیامت از میوه‌های آن بهره می‌جستند.^{۸۵}

آثار آموزه‌های حقوقی و اخلاقی در برقراری تعادل اقتصادی

دقت در آموزه‌های پیشگفته در دو بخش پیشین، نشان می‌دهد تعادل اقتصادی که در سه محور تثبیت، توزیع و تخصیص تجلی می‌یابد، با اجرای این آموزه‌ها محقق می‌شود. این احکام با تشویق به کار و کوشش و بهبود کیفیت آن و تقویت روحیهٔ تعاون و ایثار در بین مسلمانان، افزایش اشتغال را در پی خواهد داشت و با سامان دادن قیمت کالاها و خدمات از طریق مبارزه با انحصار، احتکار و اهتمام به اطلاعات کامل، و جهت‌دادن تقاضای مردم، از افزایش بی‌اندازهٔ قیمت‌ها جلوگیری می‌کند. بدیهی است که افزایش اشتغال و تولید، همراه با ارتقای علمی جامعه که همواره مورد توجه دین بوده است، رشد اقتصادی را سبب خواهد شد و در مجموع با از بین رفتن معضل بیکاری، ثبات در سطح قیمت‌ها و ایجاد رشد اقتصادی، زمینه‌های تثبیت اقتصاد را فراهم خواهد کرد.

در بخش توزیع نیز آموزه‌های یاد شده، از جمله الزام به رعایت حقوق کارگران، برقراری نظام تأمین اجتماعی و امکان مشارکت کارگران در سود، به توزیع عادلانهٔ درآمد و ثروت کمک خواهد کرد و در نهایت نیز این آموزه‌ها با تحریم فعالیت‌های زیانبار، وجوب نیازهای ضرور، و تحریم اسراف و اتلاف و برخورد با انحصار، زمینهٔ تخصیص مناسب منابع را فراهم می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به: سعید فراهانی، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در دست نشر، فصل هفتم.
۲. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۲ م. ج ۱۳، ص ۲۴۷. ح ۱.
۳. محمدباقر مجلسی: بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱۰۳، ص ۱۷۴، ح ۱۱.
۴. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۶، ح ۱ و ۲.
۵. هندی: کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۰۹ ق. ج ۱۵، ص ۴۰۷.
۶. محمدباقر محمودی: نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، النجف الأشرف، مطبعة النعمان، الاولى، ۱۳۷۸ ق. ج ۵، ص ۳۵۹.
۷. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۱۴ و ۲۱۶.
۸. همان، ج ۱۲، ص ۳۵۴.
۹. همان، ص ۴۰۲.
۱۰. مرتضی مطهری: داستان راستان، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ ش. ج ۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲: همو: تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ص ۲۶۱.
۱۱. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۹۱، باب انه يجب علی الامام قضاء الدین علی المؤمن المعسر... ح ۲: همچنین ر.ک: احادیث دیگر این باب.
۱۲. حسین نوری: مستدرک الوسائل، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، الاولى، قم، ۱۴۰۷ ق. ج ۱۵، ص ۴۵۸.
۱۳. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۵.
۱۴. همان، ص ۲۷۴.
۱۵. امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که به استخدام دیگری درمی‌آید، روزی را بر خود تنگ می‌کند. چگونه روزی او تنگ نمی‌شود؛ در حالی که هر چه به دست می‌آورد، برای کسی است که او را به استخدام درآورده است. (همان، ج ۱۲، باب ۶۶ من ابواب ما یکتسب به، ح ۴)
۱۶. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۶؛ ر.ک: همان، ص ۲۶۷.
۱۷. جعفر سبحانی: سیمای اقتصاد اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول: ۱۳۷۸ ش. ص ۲۳۲.
۱۸. سیدکاظم صدر: اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش. ص ۲۱ و ۱۷۶ و ۲۵۸.
۱۹. طبرانی: المعجم الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الثانية، ۱۴۰۴ ق. ج ۲۲، ص ۵۶، ح ۱۳۲.
۲۰. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۹، باب ۸۶، ح ۷.
۲۱. هود (۱۱): ۸۵.

۲۲. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۴.
۲۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۴. همان.
۲۵. نعمان بن محمد تمیمی: دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، الثالثة، ۱۳۸۹ ق. ج ۲، ص ۳۵، ح ۷۸.
26. dead weight loss.
۲۷. اس. چارلز. موريس و اون. ار. فیلیپس: تحلیل اقتصادی، حسن سبحانی، تهران، دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.
۲۸. ابو عبدالله حاکم نیشابوری: المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة، ج ۲، ص ۱۲.
۲۹. هندی: کنز العمال، ج ۴، ص ۹۸، ح ۹۷۲۱.
۳۰. برای اطلاع از ادله تفصیلی این بخش، ر.ک: مجید رضایی: بازار کار در اقتصاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ص ۷۹ - ۸۴.
۳۱. انعام (۶): ۱۴۱؛ اسراء (۱۷): ۲۶.
۳۲. طبرسی: مکارم الاخلاق، ص ۱۱۸، نقل از سیدرضا حسینی: الگوی تخصیص درآمد در اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۴۵.
۳۳. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۱، ح ۱۱.
۳۴. همان، ج ۱۷، ص ۳۴۱.
۳۵. قصص (۲۸): ۵۸.
۳۶. بلد (۹۰): ۹۰.
۳۷. ابن اثیر: اسد الغابة، بیروت، دارالکتب العلمیة. الاولى، ۱۴۱۵ ق. ج ۲، ص ۲۶۹.
۳۸. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیة، الثالثة، ۱۳۷۰ ش. ج ۱۶، ص ۱۳۷.
۳۹. همان، ج ۳، ص ۱۰۶، ح ۱ و ۲۹۲.
۴۰. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ از ابواب مقدمات تجارت: محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۶ و ج ۱۰، ص ۱۰۹ و ج ۷۷، ص ۲۲۸: عباس قمی: سفینه البحار، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۶۲۴: دیلمی: الفردوس، بیروت، دارالکتب العلمیة، الاولى، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۸۸.
۴۱. محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶: حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰ و ص ۲۳: مرتضی مطهری: داستان راستان، ج ۱، ص ۱۹۱.
۴۲. حلی: عدّة الداعی و نجات الساعی، تهران، مکتبه وجدانی، ص ۱۰۱.
۴۳. کلینی، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة. الثانية، ۱۳۸۹ ق. ج ۵، ص ۷۴ و ۷۵.
۴۴. گروهی از نویسندگان: مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۳۷.
۴۵. حرّانی: تحف العقول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، پنجم، ۱۳۹۴ ق، باب ما روی عن الامام موسی بن جعفر، ص ۴۸۱؛ برای اطلاع بیشتر از روایات درباره این موضوع، ر.ک:

- نهج البلاغة، حکمت ۳۹۰؛ طبرسی: مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۸۲؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۸.
۴۶. ویلیام. اچ. برانسون: ثنوری و سیاست های اقتصاد کلان، عباس شاکری، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۱۵۵.
۴۷. عباس قمی: سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.
۴۸. حرّانی: تحف العقول، ص ۳۶۷.
۴۹. کلینی: کافی، ج ۵، ص ۴۶.
۵۰. هندی: کنز العمال، ج ۶، ص ۱۹.
۵۱. حرّانی: تحف العقول، ص ۳۳۶.
۵۲. طبرسی: مکارم الاخلاق، ص ۵۳۸.
۵۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵.
۵۴. آمدی: غررالحکم و دررالحکم، تحقیق میر سیدجلال الدین محدث الارموی، جامعه تهران، ۱۳۶۰ ش، ج ۲۶۶.
۵۵. همان، ج ۵۵۷۲، ۵۵۴۹ و ۳۹۶۵.
۵۶. طوسی: امالی، بیروت مؤسسه الاعلمی، الخامسة، ۱۴۰۰ ق، ص ۵۳۷؛ طبرسی: مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰.
۵۷. آمدی: غررالحکم و دررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۴.
۵۸. محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.
۵۹. حرّانی: تحف العقول، ص ۲۰۸.
۶۰. محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹.
۶۱. کلینی: کافی، ج ۵، ص ۸۸، ج ۶.
۶۲. همان، ص ۹۱، ج ۲.
۶۳. حسین نوری: مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰.
۶۴. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۴.
۶۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۴.
۶۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۶۴.
۶۷. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۰۳.
۶۸. ر.ک: هود (۱۱): ۳۷؛ انبیا (۲۱): ۸۰؛ کهف (۱۸): ۹۳ - ۹۷ و نیز هندی: کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸ و ۱۲۹.
۶۹. سیدکاظم صدر: اقتصاد صدر اسلام، ص ۱۸۷.
۷۰. نهج البلاغه: نامه ۳۱.
۷۱. قال الباقر علیه السلام اَبَاكَ اَنْ تَطْمَحَ بِصَرْكَ الِى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ، فَكُفَى بِمَا قَالَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «و لا تُعْجِبُكَ اموالهم و لا اولادهم» و قال: «و لا تُمَدِّدَنَّ عَيْنَيْكَ الِى ما مَتَّعَنَا بِهِ ازواجاً منهم زهرة الحيوٰة الدنيا» فإنَّ

دَخَلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَاذْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِنَّمَا كَانَ قُوَّةَ الشَّعْبِيرِ وَ حُلْوَاهُ التَّمْرُ وَ وَقُودَهُ السَّعْفُ

اذا وجدته. (كلینی: کافی: ج ۲، ص ۱۳۸، ح ۶)

۷۲. کلینی: کافی، ص ۴۷۶، ح ۱.

۷۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۷۴. همان، حکمت ۱۰۳.

۷۵. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۲۰ از ابواب نفقات، ح ۶.

۷۶. مائده (۵): ۸۷ و ۸۸.

۷۷. حرّ عاملی: وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱ از ابواب احکام ملابس، ح ۹.

۷۸. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

۷۹. کلینی: کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۸.

۸۰. همان.

۸۱. در بحث مصرف، از کتاب درآمدی بر اقتصاد اسلامی تألیف گروهی از نویسندگان، قم، دفتر

همکاری حوزه و دانشگاه، از ص ۳۷۴ تا ۴۱۲ استفاده شده است.

۸۲. اعراف (۷): ۹۶.

۸۳. هود (۱۱): ۵۲.

۸۴. کلینی: کافی، ج ۵، ص ۳۱۷، ص ۵۳؛ محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۵، ح ۱۲۸.

۸۵. همان، ج ۱۰، ص ۱۴۲، ح ۵.